

معماری مگارون در آناتولی

سید محمدرضا آل احمد*

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
mohamadreza.aleahmad@gmail.com

فرشید ابروانی قدیم

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشکده‌ی مرمت دانشگاه هنر اصفهان

شناسه‌ی دیجیتالی (DOI): 10.22084/nbsh.2018.15348.1693

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷

(از ص ۱۴۵ تا ۱۶۴)

چکیده

مگارون، گونه‌ای از انواع معماری راست‌گوشه بوده است که سده‌های متمادی به‌عنوان فرمی رایج و شاخص، در محدوده‌ی جغرافیایی شرق اروپا، غرب آسیا و به‌ویژه آناتولی مورد استفاده قرار گرفته است. میزان گستردگی جغرافیایی، دوره‌ی زمانی و ویژگی‌های کاربردی این معماری موجب شکل‌گیری دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و گاه متضاد پیرامون ساختار و مفاهیم مرتبط با معماری مگارون شده است؛ از آن جمله می‌توان به‌تعریف معماری مگارون، حوزه‌ی جغرافیایی، گستره‌ی کاربری و یا تاریخ ابداع و استفاده از این شیوه‌ی معماری اشاره کرد. در پژوهش پیش‌رو که با بهره‌گیری از گزارش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و برخی متون تاریخی انجام شده است، با توجه به پیشینه‌ی تاریخی و اهمیت معماری مگارون و نقش آن در تاریخ معماری حوزه‌ی آناتولی، به این پرسش پاسخ داده شده که تعریف معماری مگارون، با در نظر داشتن دیدگاه‌های مختلف و گاه متضاد، به چه صورت می‌تواند تعریف شود؟ این پژوهش با بررسی، معرفی و شرح ساختمان‌های شناسایی شده با فرم معماری مگارون در منطقه‌ی یاد شده، افزون‌بر مشخص کردن جایگاه این معماری در جغرافیای مورد نظر، مختصاتی از دوران رواج این معماری را در اختیار قرار داده است. کهن‌ترین آثار به‌جا مانده از مگارون‌های آناتولی، متعلق به آغاز هزاره‌ی سوم و اواخر هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد هستند. دوره‌ای که این معماری رواج یافته و مورد استفاده قرار گرفته است، هم‌زمان با تحولات اجتماعی و فرهنگی گسترده در منطقه‌ی غرب آناتولی، اژه و کرانه‌های شرقی مدیترانه است. معماری مگارون و انواع مشتق از آن در آناتولی و سرزمین‌های پیرامون آن، مشخصاً به‌عنوان کانون‌های مذهبی و یا سیاسی (تشریفاتی)، کارگاهی و به‌ویژه مسکونی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بالطبع متناسب با کارکردهای متفاوت، الحاقات و ساختارهای ثانوی و متنوعی را نیز دارا بوده‌اند.

کلیدواژگان: آناتولی، معماری، مگارون، هشتی، ایوان.

مقدمه

هنر و دانش معماری از کهن‌ترین فنون بوده است، شناخت و بررسی گونه‌های آن در مقاطع مختلف زمانی جنبه‌هایی از شیوه‌ی زندگی بشر را روشن می‌سازد. بررسی معماری مگارون به واسطه‌ی پیشینه‌ی بسیار کهن آن و نقشی که می‌توانسته است در سیر تکامل معماری منطقه‌ی آناتولی داشته باشد، حائز اهمیت است. آناتولی به‌عنوان پُلی میان سرزمین‌های اروپایی به آسیا و به‌عنوان یکی از مسیرهای مهاجرتی میان قاره‌ای، از اهمیت برخوردار است. مگارون، ساختمانی مستطیل شکل، متشکل از ایوان، هشتی^۱ و یک اتاق اصلی و هم‌چنین برخی الحاقات متغییر است. مگارون در آناتولی، پس از کاوش‌های هنری شلیمان^۲ در منطقه حصارلیک^۳ یا تروا^۴، متعلق به آغاز هزاره‌ی سوم ق.م.، شناسایی شد. شلیمان در حصارلیک دست به کاوش گسترده‌ای زد (۱۸۷۱-۱۸۷۳ م.). و تا سال ۱۸۹۳ م. با پژوهشگران بعد از خود همکاری کرد (Ogilvie & Har-vey, 2003: 1160). احتمالاً ساختمان‌های لایه‌ی II، نخستین بار، توسط ویلهلم دوریفلد^۵ و پس از بررسی اطلاعات به‌دست آمده از حفاری‌های شلیمان، به‌عنوان مگارون معرفی شده باشند (Ivanova, 2013: 18). معماری مگارون در کرانه‌های باختری آناتولی و هم‌چنین شرق دریای سیاه (Todorova, 2003: 283) از دوره‌ی مفرغ به‌عنوان ساختاری هویت‌مند، در پیوند با نهاد قدرت، استفاده شده است. این معماری در محدوده‌ی دریای اژه، در هزاره‌ی سوم ق.م. (Ivanova, 2013: 18) در مسیر تکامل معماری منطقه نقش ایفا کرده و تا هزاره‌های بعدی نیز همچنان تأثیرگذار بوده است. در این مقاله با معرفی معماری مگارون و بیان جنبه‌های مختلف ساختاری آن، مشخصاً به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد؛ معماری مگارون چیست؟ مگارون چه دوره‌ای در آناتولی رواج داشته است؟ مگارون در آناتولی چه کاربردهایی داشته است؟ گستردگی استفاده از مگارون در پهنه‌ی جغرافیایی آناتولی به چه میزان بوده است؟

پیشینه‌ی پژوهش

کاوش‌های تپه تروا در سده‌ی ۱۹ م. به واسطه‌ی شناسایی کهن‌ترین^۶ مگارون در آناتولی (Warner, 1979: 139)، در پیوند با مطالعه این معماری، دارای اهمیت است. در ادامه‌ی پژوهش‌ها و کاوش‌ها در آناتولی، آثار معماری مگارون از دوره‌های تاریخی مختلف و در سایت‌های بیشتری شناسایی شدند، همچون سایت گوردیون^۷ (Koob & et al., 1991: 289) و کول تپه^۸ در مرکز آناتولی (Özguç, 1963: 16-17). تقریباً پس از شناسایی برخی سازه‌های عصر مفرغ در آناتولی به‌عنوان مگارون، دیدگاه‌های متفاوت نسبت به این دسته‌بندی مطرح بوده است. پس از کاوش‌های متعدد در مناطق دیگر و به‌دست آمدن ساختارهای مگارون از دوره‌ی نوسنگی در جریکو و عین‌غزال در لوانت (Banning, Byrd, 1987: 309)، مطالب پیرامون این معماری دامنه‌ی بیشتری نیز پیدا کرد.

ارل اسمیت^۹ اشاره دارد (Smith, 1942: 99) که با فراگیر بودن تعاریفی همچون تعریف بلگن از مگارون^{۱۰} با این شرح که: مگارون ساختمانی مستطیل شکل است متشکل از یک اتاق طولی و یک ایوان (Blegen, 1937: 18)، موافق نیست. اسمیت در

مورد فرم سقف مگارون تحقیق جامعی کرده است.^{۱۱} جدا از اختلاف نظر باستان‌شناسان در تعریف مگارون، اختلافات میان رشته‌ای، همچون نظرات دانشمندان زبان‌شناس نیز مطرح بودند (Ivanova, 2013: 18). همان‌گونه که اشاره شد، تعریف مگارون به‌عنوان یک فرم معماری با قواعد ثابت و مشخص، تعریف یکسانی نداشته و تفاوت‌ها و یا اختلافاتی وجود دارد. عواملی همچون قائل بودن به یک هویت، تعلق داشتن به منطقه‌ای خاص و دیگر مسائل، بر نتیجه‌گیری‌ها و تعریف‌ها مؤثر واقع می‌شوند؛ در همین راستا کایلر یانگ می‌گوید: «مگارون گونه‌ای از معماری است که در تشخیص آن توافق کمتری وجود دارد، اصل اختلاف به شناسایی مگارون مربوط می‌شود. از یک سو هر ساختمان چهارگوش که دارای هشتی و یا جلوخان برآمده از دیوارهای جانبی باشد، مگارون نامیده می‌شود، و از سوی دیگر برخی اعتقاد دارند که این عنوان باید تنها برای تالارهای بارعام در تمدن میسنی^{۱۲} استفاده شود، هم‌چنین در مورد مسطح بودن و یا شیب‌دار بودن بام مگارون وحدت نظری وجود ندارد» (Young, 1966: 63). مانفرد کورفمان^{۱۳}، باستان‌شناس آلمانی در پژوهش‌های خود پیرامون معماری آناتولی، دو شیوه در چینش ساختمان‌ها را مطرح می‌سازد، فرم طولی که ساختمان‌ها در عرض کنار هم و به‌صورت خطی ساخته می‌شدند و نمونه‌های آن در غرب آناتولی بیشتر دیده می‌شود، مانند سایت تروا، و فرم دوم که ساختمان‌ها از عرض با هم مجاور هستند و یک محیط دایره‌ای شکل را تشکیل می‌دادند و در شرق و مناطق مرکزی بیشتر اعمال می‌شده‌اند، مانند سایت دمیرچی هویوک (Korfmann, 234: 1983). جین وارنر^{۱۴} از دیگر پژوهشگرانی است که در زمینه‌ی باستان‌شناسی منطقه‌ی آناتولی و شرق اروپا به تحقیق پرداخته است؛ وی معتقد است که سنت‌های معماری در غرب آناتولی (از جمله مگارون) در آغاز عصر مفرغ بسیار به سنت‌های معماری منطقه تسالی و جنوب شرق اروپا نزدیک بوده است و احتمالاً هم‌راستا بوده‌اند (Warner, 1979: 146-7). در آناتولی، معماری مگارون از محوطه‌های ذیل به دست آمده است؛ حصارلیک، گوردیون، کول تپه، تل تاینات^{۱۵}، بیجه سلطان^{۱۶}، دمیرچی هویوک^{۱۷}، کانلی گچیت^{۱۸}، کوللوبا^{۱۹}، بادم آغاجی^{۲۰}، کاراتاش^{۲۱}، کرکنس داغ^{۲۲}، کمان کاله هویوک^{۲۳}، هاسک هویوک^{۲۴}، ساموس^{۲۵} و بشیک یاسی تپه^{۲۶}.

روش تحقیق

شیوه‌ی انجام این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. منابع مورد استفاده نیز به این شرح بوده‌اند: گزارش‌های سالیانه و فصلی باستان‌شناسی، کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع و محوطه‌های مورد بررسی.

واژه‌شناسی

کهن‌ترین سند از واژه‌ی مگارون در پیوند با معماری را در اشعار هومر^{۲۷} (Knox, 1973: 9-12) یافته‌ایم، هرودوت^{۲۸} نیز در اشاره به معبد دلفی^{۲۹} از واژه‌ی مگارون استفاده کرده است (Herodotus & Godley, 1921: 34)، این واژه در گفتار یونانی به تالارهایی با کارکرد همگانی اطلاق شده است. در سده‌ی ۱۷ م. ساموئل بوشاق^{۳۰}، با اشاره به واژه‌ی

یونانی مگارا و واژه‌ی عبری مآرا^{۳۱}، احتمالاً پیوندی میان این دو را مطرح می‌کند. او با اشاره به ریشه‌ی اوگاریتی^{۳۲} و اکدی زبان عبری، احتمال انتشار نیای واژگان مرتبط با مگارون را، مستقیم و یا به واسطه‌ی زبان عبری، به حوزه‌ی زبانی منطقه‌ی اژه مطرح می‌سازد؛ در همین حال فرضیه‌های دیگری با نگاه به مصر مطرح شدند که در آغاز کمتر مورد اقبال بودند (Bernal, 1987: 426-7). در دوران کنونی نیز، دوریفلد، احتمالاً نخستین فردی بوده است که از واژه‌ی مگارون برای نام‌بردن از فرمی خاص در معماری استفاده کرده است^{۳۳}. پس از استفاده از تعبیر مگارون برای نوعی از معماری از سوی دوریفلد، تقریباً در حیطه‌ی دانش باستان‌شناسی و به‌ویژه معماری باستانی منطقه‌ی اژه، مگارون به مفهومی تثبیت شده در دانش معماری و باستان‌شناسی منطقه تبدیل شد (Ivanova, 2013: 18).

ویژگی‌های شاخص در معماری مگارون

برای بررسی ویژگی‌های شاخص در معماری مگارون، به بررسی چند ویژگی که اسمیت آن‌ها را بر شمرده است، می‌پردازیم. این ویژگی‌ها عبارتند از: پیکره‌ی مستقل، فرم مستطیل شکل و اپسیدال^{۳۴}، اتاق اصلی، ورودی، هشتی و یا ایوانی که پس از ورودی قرار دارد، ساختارهایی داخلی که گاه ممکن است برای استحکام بیشتر سقف به‌کار برده شوند، مانند ستون‌ها، و درنهایت بام که تفاوت دیدگاه پیرامون آن وجود دارد (Smith, 1942: 101).

- پیکریه‌ی مستقل: ساختار چهارگوش و آزاد، بدون اتصال به سازه‌های دیگر، آن‌چنان که در مگارون‌های تروا و گوردیون می‌بینیم، در آغاز به‌عنوان یک شاخص در معماری مگارون مطرح می‌شود، اما با بررسی مگارون‌هایی با ساختارهای پیچیده‌تر، هم‌چون مگارون‌های کول‌تپه و مگارون‌های حوزه‌ی اژه، شاهد نقض این ویژگی به‌عنوان یک شاخص اصلی هستیم.

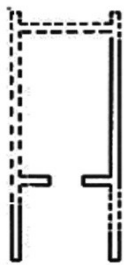
- فرم مستطیل شکل: فرم چهارگوش و مستطیلی این ساختمان‌ها، با در نظر نگرفتن خطاهای محاسباتی معماران در قرینه‌سازی و قوس ضلع انتهایی در ساختمان‌های اپسیدال، تقریباً در همه‌ی سایت‌های مورد مطالعه وجود داشته‌اند. در مورد این‌که آیا ساختمان‌های اپسیدال از انواع مگارون محسوب شوند یا خیر، اما اختلاف وجود دارد (Warner, 1979: 147).

- سالن یا اتاق اصلی^{۳۵}: نقطه‌ی ثقل محسوب می‌شود و بالطبع با توجه به شرایط کارکرد ساختمان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. برای نمونه در بیجه سلطان با هویتی آیینی به‌عنوان محراب و نیایشگاه استفاده می‌شود (Yakar, 1974: 152) و در گوردیون با توجه به ماهیت حاکمیتی به‌عنوان تالاری تشریفاتی کاربرد داشته است (DeVries, 1980: 38).

- هشتی: هشتی از دیگر عناصری است که معمولاً در مگارون‌ها وجود دارد. پیدایش آن را شاید بتوان در مبحث فضا‌های حائل میان بخش خصوصی و عمومی ساختمان‌ها مورد بررسی قرار داد. در برخی موارد، هم‌چون سایت کول‌تپه و بیجه سلطان، فضای ایوان و هشتی به‌گونه‌ای درهم ادغام شده‌اند که فضایی نیمه‌محدود را ایجاد کرده‌اند.



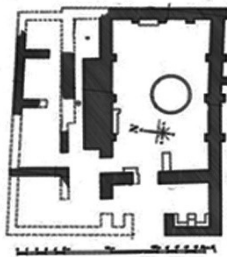
▲ پلان ۱. مگارون ۱۰۲ تروا (Warner, 1979: 135).



▲ پلان ۲. مگارون IIa تروا (Warner, 1979: 135).



▲ پلان ۳. مگارون کول تپه، معبد (Özgüç, 1963: 16-17).



▲ پلان ۴. مگارون کول تپه (Schachner, 2006: 157).

- ساختارهای تقویتی بام: عمومیت نداشته و بسته به اندازه و نیاز به کار می‌رفته‌اند، آن‌چنان‌که در مگارون معروف به معبد، در کول تپه (پلان ۳)، (Özgüç, 1963: 16) چهار ستون، احتمالاً چوبی به کار رفته است و یا در مگارون‌های سایت گوردیون که ستون و تیرک در آن‌ها به تعداد پُر شمار به کار رفته است (DeVries, 1980: 38).

- فرم بام در مگارون: اسمیت با اشاره به وجود اختلاف میان پژوهشگران و باتوجه به سنت معماری غرب مدیترانه و اژه، بام‌های شیب‌دار را از ویژگی‌های مگارون مطرح می‌کند (Smith, 1942: 101)، می‌توان در این رابطه بام‌های سفالین مگارون شماره‌ی ۱ در کرکنس داغ را برشمرد (Summers & et al., 2004: 28)؛ اما در همین حال برای مگارون‌های سایت شاخص تروا که از دوره‌ی عصر مفرغ هستند، سقف‌های مسطح را پیشنهاد داده‌اند (Ivanova, 2013: 17). از این‌رو شاهد استفاده هر دو نوع فرم در منطقه هستیم.

بررسی نوع کاربرد معماری مگارون در آناتولی

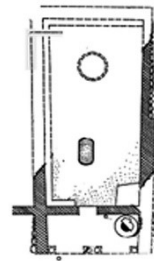
مگارون‌های بررسی شده در این پژوهش از نظر کاربرد، چهار دسته هستند: ۱- مسکونی، ۲- آیینی، ۳- کارگاهی، و ۴- همگانی (و سیاسی)؛ هم‌چنین هویت ساختاری مگارون‌ها با دو فرم دیده می‌شوند، ساختمان‌های آزاد و مجتمع^{۳۶} (پلان‌های ۱ تا ۳). ساختمان‌های مجتمع، عموماً کاربری همگانی و یا سیاسی را برایشان متصور هستند، مانند ساختمان معروف به معبد در کول تپه (Özgüç, 1963: 16-17).

۱- **مسکونی**: شمار ساختمان‌های مگارون‌شکل که کاربری مسکونی داشته‌اند بیش از دیگر انواع کاربری‌ها بوده است؛ محوطه‌ی دمیرچی هویوک یک استقرار روستایی با کاربری مسکونی بوده است (Erarslan, 2008: 178). ساختمان‌های درهم‌تنیده کوللوبا نیز به‌عنوان خانه‌هایی که افزون‌بر محل سکونت، دارای ساختارهای ذخیره‌سازی وسیع بوده‌اند نیز در این طبقه‌بندی قرار می‌گیرند (Efe & Fidan, 2008: 92). مگارون شماره‌ی ۱ در گوردیون نیز با توجه به وجود عناصر مربوط به زندگی روزمره دارای کاربرد مسکونی بوده است (Koob & et al., 1991: 290). عناصر وابسته به معماری در مگارون‌ها، که ویژگی کارکرد مسکونی را نشان می‌دهند، عبارتند از:

الف) آتشدان مرکزی (اندازه‌ی کوچک و متوسط): تروا، مگارون معروف به IIa (این مگارون کاربرد سیاسی-مسکونی داشته است). در بیجه سلطان، مگارون‌های لایه‌های IX و XXIV (Lloyd & Mellaart, 1958: 98, 102). در گوردیون، مگارون شماره‌ی ۱، آتشدان مرکزی در سالن اصلی و هم‌چنین هشتی، قرار داشته است (Koob & et al., 1991: 290).

ب) تنور یا اجاق (جهت پخت‌وپز و گرمایش)، (مشترک میان مگارون‌های مسکونی و کارگاهی): برای نمونه، تروا، خانه‌ی ۱۰۲ از لایه‌ی Ib، دو تنور معمولی با کاربری گرمایشی و پخت‌وپز (Blegen & et al., 1950: 93). در مگارون لایه‌ی IX در سایت بیجه سلطان (Lloyd & Mellaart, 1958: 98). مگارون‌های سایت دمیرچی هویوک (Efe & Fi-) در کوللوبا، آتشدان در میان سالن اصلی مگارون (Erarslan, 2008: 178). (dan, 2008: 92).

ج) بخش‌های ذخیره‌سازی مواد خوراکی (مشترک میان مگارون‌های مسکونی و کارگاهی): برای نمونه، محوطه‌ی تروا، خانه‌ی ۱۰۲، گودال ذخیره‌سازی غلات با دیواره اندود شده (Blegen & et al., 1950: 93). مگارون لایه‌ی IX در بیجه‌سلطان، ساختمان غربی (Lloyd & Mellaart, 1958: 98). مگارون‌های کولوبا (DeVries, 1980: 37-41). گودال‌های ذخیره‌سازی غلات و سنگ آسیاب در مگارون‌های محوطه‌ی تراس‌ها در گوردیون (Ibid: 38).



▲ پلان ۵. مگارون بزرگ لایه‌ی IX بیجه‌سلطان (Lloyd & Mellaart, 1958: 99).

۲- آیینی: مگارون‌های شاخص این گروه، معابد دوتایی^{۳۷} بیجه‌سلطان هستند (Yakar, 1974: 152). برخی عناصر وابسته به معماری که در مگارون‌ها، کارکرد آیینی را نشان می‌دهند، عبارتند از:

الف) دیوار تقسیم‌کننده با کارکرد مذهبی: بیجه‌سلطان، مگارون لایه‌ی XVI (Lloyd & Mellaart, 1958: 111).

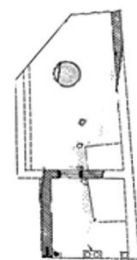
ب) فضای ویژه کاهن یا مرتبط با معبد: مگارون (چپ) از لایه‌ی XVI در بیجه‌سلطان (Ibid).

ج) استل‌های رُسی و شاخی شکل: بیجه‌سلطان، لایه‌های XIV، XV، XVI (Ibid: 98-111).

د) فضاهای دایره‌شکل از جنس رُس: معابد مگارون شکل لایه‌های XVI و XV در بیجه‌سلطان (Ibid: 98-111).

ه) محراب خون^{۳۸}: در لایه‌های XIV، XV در بیجه‌سلطان (Ibid: 98-111).

۳- کارگاهی^{۳۹}: محوطه‌ی باستانی گوردیون دارای نمونه‌های شاخصی از مگارون‌ها با کاربری کارگاهی می‌باشد، همچون مگارون‌های شماره‌ی ۷ و ۸ و مگارون‌های محوطه‌ی تراس‌ها که موارد مشهودی از این ویژگی را دارا هستند. عناصر وابسته به معماری که ویژگی کارگاهی و یا فعالیت‌های تخصصی را نشان می‌دهند، عبارتند از: الف) تنورهایی U شکلی خشتی: در مگارون‌های شماره‌ی ۷ و ۸ در گوردیون (DeVries, 1990: 375-376).



▲ پلان ۶. مگارون کوچک لایه‌ی IX بیجه‌سلطان (Ibid: 99).

ب) کوره: مگارون‌های محوطه‌ی تراس‌ها در گوردیون (DeVries, 1980: 38).

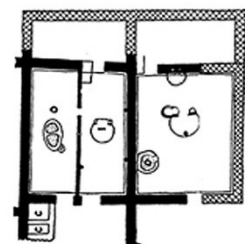
۴- عمومی و سیاسی: مگارون IIa در تروا با توجه به داشتن موقعیت مکانی ممتاز و ابعاد بزرگ و هم‌چنین وجود آتشدان مرکزی و آثار زندگی روزمره، به‌عنوان یک حاکم‌نشین مطرح است (Caskey, 1960: 289) که ویژگی‌های مسکونی و سیاسی را با هم دارا بوده است. مگارون‌های درون دژ کانلیگجیت موقعیت مشابهی با موقعیت مگارون‌های تروا داشته‌اند. در گوردیون برای مگارون‌های ۲، ۳ و ۴ با توجه به ویژگی‌های فاخر در معماری آن‌ها موقعیت ویژه و وابسته به طبقه‌ی حاکم پیشنهاد می‌شود و احتمالاً این محوطه به‌عنوان مرکزی سیاسی و آیینی مطرح بوده است. مگارون‌های کرکنس داغ نیز فاقد الحاقات وابسته به زندگی روزمره بودند و به‌نظر می‌رسد کاربردی عمومی داشته‌اند (Braidwood & et al, 1971: 53).



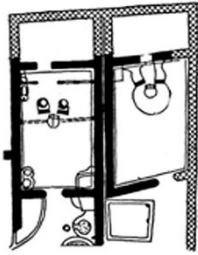
▲ پلان ۷. مگارون، بیجه‌سلطان لایه‌ی XVII (Ibid: 103).

عناصر وابسته به معماری که ویژگی سیاسی یا عام‌المنفعه را نشان می‌دهند، عبارتند از:

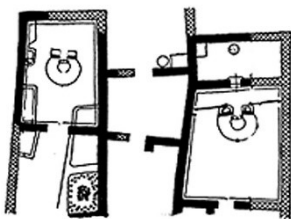
الف) آتشدان مرکزی با ابعاد بزرگ: مانند مگارون یادمانی کول تپه (Schachner,



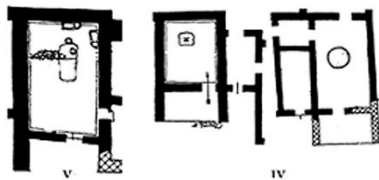
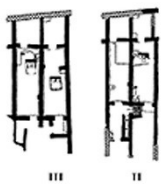
▲ پلان ۸. مگارون، بیجه‌سلطان لایه‌ی XVI (Ibid: 103).



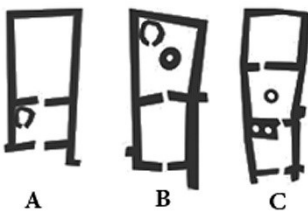
▲ پلان ۹. مگارون، بیجه سلطان لایه‌ی XV (Ibid:103)



▲ پلان ۱۰. مگارون، بیجه سلطان لایه‌ی XIV (Ibid: 103)



▲ پلان ۱۱. مگارون، بیجه سلطان لایه‌های II, III, IV, V (Ibid: 109)



▲ پلان ۱۲. مگارون‌های دمیرچی هویوک (Sari, 2012: 119)

157: 2006) و یا در کرکنس داغ، در مگارون شماره‌ی ۱، آتشدانی بزرگ و مرکزی به شکل چهارگوش (یا با پایه‌ی چهارگوش)، (Summers & et al., 2004: 21). مگارون شماره‌ی ۲ در گوردیون (DeVries, 1980: 43).

ب) سنگ فرش، آجر فرش، موزاییک (مشترک میان مگارون‌های آیینی و سیاسی): برای نمونه، تروا، مگارون ۱۰۲ از لایه‌ی Ib دو گونه‌ی سنگ فرش شناسایی شد (Blegen & et al., 1950: 93). مگارون شماره‌ی ۲ در گوردیون از هزاره‌ی اول ق.م.، دارای تزئینات موزاییک فاخری است (Roller, 2011: 4).

ج) سکو یا نیمکت‌های سرتاسری: (مشترک میان مگارون‌های آیینی، سیاسی و مسکونی): مانند مگارون از هزاره‌ی سوم در کول تپه دارای دو سکو در دو سوی ایوان، و سکویی سراسری در داخل سالن اصلی بوده است (Özgülç, 1963: 16-17).

تزئینات

در مورد تزئینات داخلی مگارون‌ها، اطلاعات چندانی به دست نیامده است و آثار بسیار محدود می‌باشند، اما در مورد آثار هنری به کار رفته در این معماری، در آناتولی، می‌توان به مواردی چون پایه‌ستون‌های تراش خورده اشاره کرد، مانند پایه‌ستون به کار رفته در ساختمان شماره‌ی ۱۶ در تل تاینات که با استفاده از سنگ بازالت ساخته شده است. این پایه‌ستون با طرح‌هایی برگرفته از گل روزت و تزئینات طنابی، تزئین شده بود (Har-trison & Osborne, 2012: 130). هم‌چنین در ساختمان شماره‌ی ۲ در همین سایت، پایه‌ستون به شکل شیر در ایوان استفاده شده است (Braidwood & et al., 1971: 53). مگارون شماره‌ی ۲ در گوردیون، مربوط به هزاره‌ی اول ق.م.، دارای کف پوشی از موزاییک فاخر است که به روشنی جایگاه خاص این سازه را نشان می‌دهد (Roller, 2011: 4). هم‌چنین در همین ساختمان، آثاری از حکاکی روی سنگ وجود دارد که تصاویری از الهه‌ی مادر نزد اقوام فریگی نشان می‌دهد (Roller, 2011: 105).

مگارون‌های آناتولی (بر اساس محوطه‌ها)

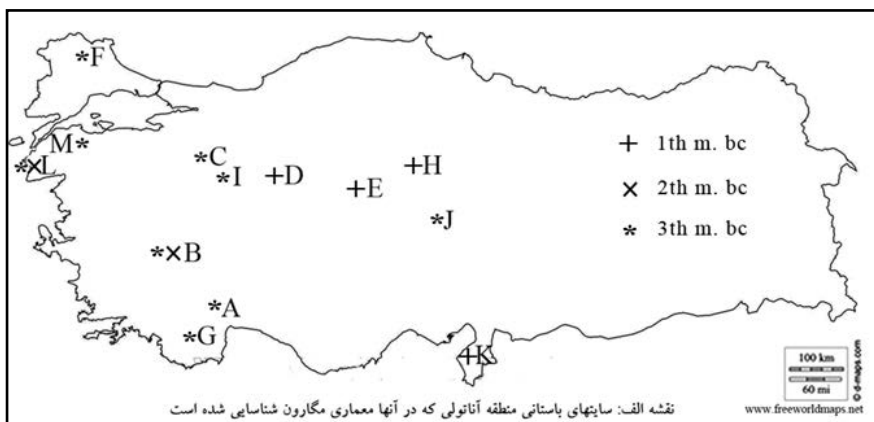
۱۷۱ مگارون، در آناتولی شناسایی شد^۴ که ۳۲ مورد مربوط به هزاره‌ی اول ق.م.، ۷ مورد مربوط به هزاره‌ی دوم ق.م. و ۱۳۲ مورد مربوط به هزاره‌ی سوم ق.م. بودند (جدول ۱). این معماری در غرب آناتولی بیشتر رایج بوده است و در مرکز و شرق آناتولی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در واقع، شاید بتوان این فرم از معماری را متعلق به حوزه‌ی تمدنی و فرهنگی اژه دانست (Ivanova, 2013: 18).

تروا: با مختصات N: 39.957°, E: 26.239° متعلق به هزاره‌ی سوم در جنوب غرب ترکیه؛ در این محوطه حدوداً ۱۴ مگارون شناسایی شده است. کاوش‌ها از سال ۱۸۸۵ م. به ترتیب به وسیله شلیمان، بلگن و کورفمان آغاز شد (Ivanova, 2013: 17). سازه‌های ۱۰۲ و IIa، مگارون‌هایی هستند که اطلاعات بیشتری از آن‌ها به دست آمده است.

۱- مگارون ۱۰۲: در لایه‌ی Ib و در محوطه‌ی داخلی دژ قرار دارد (پلان ۱) با ابعاد ۱۸.۷۵ × ۷ متر، در محور طولی شمال شرق- جنوب غرب (de Laet & Dani, 1994: 532). سنگ فرش، اندود گل، آسیاب سنگی دستی، تنور و گودال ذخیره‌سازی غلات

جدول ۱. سایت‌های شاخص در منطقه‌ی آناتولی که در آن‌ها معماری مگارون به دست آمده است^{۴۱} (نگارندگان، ۱۳۹۶).

شماره	نام سایت	دوره‌ی زمانی و تعداد مگارون‌ها				منابع
		هزاره‌ی یکم	هزاره‌ی دوم	هزاره‌ی سوم	مجموع	
۱	Troy، تروا		۶	۸	۱۴	(de la t& hasan dani, 1994: 531; easton, 2002: 17-28)
۲	Kültepe، کول تپه			۲	۲	(Özgül, 1963: 16-17; Schahner, 2006: 157)
۳	Beycesultan، بیجه سلطان		۱	۱۸	۱۹	(Lloyd & Mellaart, 1958: 93-125)
۴	Demirci Höyük، دمیچی هویوک			۲۰	۲۰	(Sari, 2012: 119)
۵	Kanlıgeçit، کانلی گچیت			۴	۴	(Ari & et al., 2010: 237)
۶	Küllüoba، کوللوبا			۱۶	۱۶	(Sari, 2013: 319; Efe, 2009: 19)
۷	Bademağacı، بادم آغاجی			۳۰	۳۰	(Duru & Umurtak, 2010: 9)
۸	Karataş، کاراتاش			۳۰	۳۰	(Warner, 1979: 135)
۹	Besik Yassi Tepe، بشیک یاسی تپه			۱	۱	(Werner, 1993: 152)
۱۰	Gordion، گوردیون	۲۲			۲۲	(DeVries, 1980: 43; Matero, 2011: 39)
۱۱	Tell Tayinat، تل تاینات	۲			۲	(Harrison & Osborn, 2012: 131-132)
۱۲	Kerkenes Dağ، کرکنس داغ	>۷			>۷	(Summers & et al., 2004: 7-41)
۱۳	Kaman-Kalehöyük، کمان کاله	>۱			>۱	(Omura, 2011: 1095-1099)
۱۴	Samos، ساموس			۲	۲	(Warner, 1979: 135)
۱۵	Hasek Höyük، هایسک هویوک			۱	۱	(Sagona & Zimansk, 2015: 156)

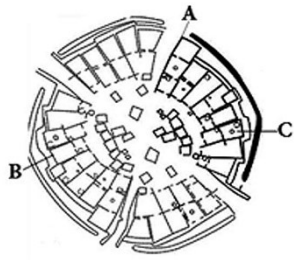


تصویر ۱. موقعیت تقریبی سایت‌ها:

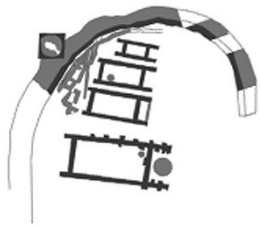
A: Bademağacı; B: Beycesultan; C: Demirci Höyü; D: Gordion; E: Kaman-Kale Höyük; F : Kanlıgeçit; G: Karatas; H: Kerkenes Dag; I: Küllüoba; J: Kültepe; K: Tell Taynat; (L: Troy; M: BesicYassi Tepe (نگارندگان، ۱۳۹۶).

با دیوارهای اندود شده در آن شناسایی شده است (Blegen et al., 1950: 93). دیوارهای بر روی پی سنگی، با خشت خام و ملات رُس به صورت جناغی چیده شده و با گچ اندود شده است؛ به طور کلی فرم بام در ساختمان‌های لایه‌ی نخست تروا، در گروه بام‌های مسطح دسته‌بندی می‌شوند (Ivanova, 2013: 17).

۲- مگارون IIa: با ابعاد ۱۳×۴۵ متر^{۴۲} (Demand, 2011: 90)، در مرکز دژ و در محور شمال غرب- جنوب شرق قرار داشته است (پلان ۲). عرض دیوارها ۱.۴ متر و احتمالاً ۲ طبقه بوده است (Caskey, 1960: 289)؛ پس از ۸ دوره‌ی ساختمانی بر اثر آتش‌سوزی از میان رفته است. آثار مشخصی از تزئینات در آن شناسایی نشد، ولی آتش‌دانی با قطری نسبتاً زیاد در میانه‌ی سالن وجود داشته است. برای این مگارون، می‌توان ماهیتی حاکم نشین و سیاسی متصور بود.



▲ پلان ۱۳. روستای دمیچی هویوک (Ibid: 119).



▲ پلان ۱۴. کانلی گچیت (Ari & et al., 2010: 237).



▲ پلان ۱۵. مگارون، کانلی گچیت (Ibid: 237).



▲ پلان ۱۶. مگارون بزرگ، کولوبا (Efe, 2005: 12).



▲ پلان ۱۷. مگارون میانی، کولوبا (Ibid: 12).

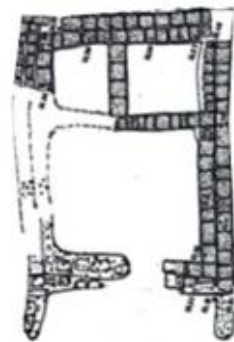
کول تپه: با مختصات $E: 38^{\circ}51'$ ، $N: 35^{\circ}38'$ متعلق به هزاره‌ی سوم، کلونی^{۴۳} آشوری، و در مناسبات منطقه‌ای دارای اهمیت بوده است (Haldar, 1971: 21). در سال ۱۹۲۵ م.، هروزنی^{۴۴} و در سال ۱۹۴۸ م.، اوزگوچ^{۴۵} این سایت را کاوش کردند. در این محوطه به دو ساختمان با فرم مجتمع مگارون^{۴۶}، از عصر مفرغ قدیم III، اشاره شده است (پلان‌های ۳ و ۴). مگارون معروف به «معبد» (Leick, 2002: 120) با ابعاد 12.5×11 متر احتمالاً دارای دو طبقه بوده (پلان ۳) و یا این‌که دسترسی به آن، تنها از راه بام امکان داشته است (Özguç, 1963: 16-17). دو سکو در دو سوی ایوان، چهار ستون، احتمالاً چوبی در سالن اصلی به دور آتشدان بزرگ و هم‌چنین سکویی کم‌ارتفاع در سراسر دیوار انتهایی، از دیگر ویژگی‌های این ساختمان بوده است. از آناتولی، مشابه آن‌ها نمونه دیگری دیده نشد، اما در هزاره‌ی دوم در سرزمین‌های یونانی مجتمع‌های مگارون ساخته می‌شدند.

بیجه سلطان: با مختصات $N: 29^{\circ}42'02.6''$ ، $E: 24.0'38''15$ متعلق به هزاره‌ی سوم، استان دنیزی ترکیه. جیمز ملارت^{۴۷} و سیتون لوید^{۴۸} شش فصل کاوش در این سایت انجام داده‌اند (Mac Sweeney, 2011: 97). ۱۸ مگارون از هزاره‌ی سوم ق. م. و یک مگارون از لایه‌ی Ia از اواخر هزاره‌ی دوم شناسایی شده است (Young, 1966: 63). احتمالاً این سایت در کنار لایه‌ی VI ترا، تنها مناطقی در آناتولی بوده‌اند که ساخت مگارون در آن‌ها در هزاره‌ی دوم ق. م. هم‌چنان تداوم یافته است. به نظر می‌رسد در هزاره‌ی دوم ق. م. فرم معماری بیت هیلانی^{۴۹} جایگزین منطقه‌ای معماری مگارون در آناتولی شده باشد. در مجموع مگارون‌های هزاره‌ی سوم در این سایت به صورت ۵ ساختمان روستایی، ۶ معبد دوتایی و ۱ معبد تک‌سازه، شناسایی شدند. معابد دوتایی متشکل بودند از دو ساختمان مگارون‌شکل که در محور طولی به هم چسبیده‌اند. تأثیرات ایدئولوژیک در طراحی ساختمان معابد، همانند معابد دوتایی، در جنوب غرب آناتولی، از مرحله‌ی دوم مفرغ قدیم بیشتر دیده می‌شوند (Yakar, 1974: 152)؛ معابد یاد شده در این سایت، متشکل بودند از ایوان، سالن اصلی و در مواردی اتاقک کاهن. درون فضای اصلی یا قربانگاه، معمولاً دو لوح شاخی‌شکل و اندود شده از جنس گل رُس وجود داشتند که از مرحله‌ی مفرغ میانی با آتشدان و محراب آتش جایگزین شده‌اند (Ibid: 153).

۱- مگارون لایه‌ی XXIV: غیر آیینی بوده و ملقب به مگارون مینیاتوری است. ابعاد 2.4×3.6 متر، آتشدان و سکوی خشتی در اتاق اصلی از ویژگی‌های آن است.
 ۲- مگارون‌های لایه‌ی IX: به عصر مفرغ قدیم III تعلق دارند (۲۱۰۰-۲۲۰۰ ق. م.).
 ۳ مگارون از این لایه شناسایی شده است؛ به نظر می‌رسد میان این مگارون‌ها و برخی مگارون‌های ترا II و I شباهت‌هایی وجود دارد (Young, 1966: 63). در این لایه از دو سازه اطلاعات بیشتری در دست است:

الف) ساختمان غربی: دیوارها تقریباً ۰.۶ متر عرض و در ساخت آن‌ها از تیرهای چوبی استفاده شده است. سالن با اندازه‌ی 10×5 متر، دارای ۲ آتشدان دایره‌ای و مستطیلی و سکوی خشتی متصل به دیوار، به عرض ۴۰ سانتی‌متر بوده است (پلان ۵). عمق ایوان ۲ متر بوده و آثار ۴ ستون چوبی و یک کوزه با قطر $1/15$ متر، به صورتی

که دهانه‌ی آن تقریباً هم سطح با زمین بود در ایوان شناسایی شده است. (ب) ساختمان شرقی: ابعاد سالن ۱×۵ متر و عمق ایوان ۴ متر است (پلان ۶). ۱ پایه‌ستون سفالی در سالن و ۳ پایه‌ستون در ایوان و دو نیمکت خشتی به صورت هم‌راستا، در ایوان و سالن قرار داشته است (Lloyd & Mellaart, 1958: 98). ۳- مگارون آیینی، لایه‌ی XVII (۲۶۷۰-۲۷۰۰ ق.م.): از دوره‌ی مفرغ قدیم I و متشکل از دو اتاق تقریباً هم‌اندازه که با یک دیوار زاویه‌دار از هم جدا می‌شوند (پلان ۷). محراب در برابر ورودی جای دارد. نیمکت‌های خشتی در این سازه نیز اجرا شده است.



▲ پلان ۱۸. مگارون شمالی، کولوبا (Ibid: 12).

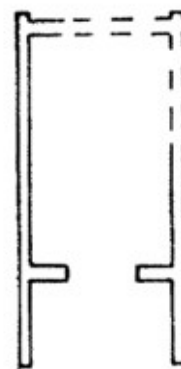
۴- مگارون آیینی، لایه‌ی XVI (۲۶۰۰ ق.م.): از دوره‌ی مفرغ قدیم II و دوتایی می‌باشد (پلان ۸). معبد چپ: سالن و ورودی با یک دیوار نازک دو بخش شده است. راه یابی به فضای اختصاصی کاهن تنها از سمت شرقی سالن امکان داشته؛ از الحاقات داخلی معبد می‌توان به اجاق بیضی‌شکل، محراب به همراه استل^{۵۰}های شاخی شکل اشاره کرد. معبد راست: غیر از محراب و اجاق، در مرکز سالن فضای دایره‌ای از جنس گل رُس با ماهیت آیینی و استل‌های شاخی شکل قرار دارد.



۵- مگارون آیینی، لایه‌ی XV (۲۵۰۰ ق.م.): معبد چپ: در محل محراب، مقابل فضای مدور، ۲ استل رُسی به ارتفاع ۰٫۶ متر و در گوشه‌ی دیوار غربی، محراب خون^{۵۱} و یک نیمکت قرار دارد. در ایوان، ۲ نیمکت رُسی و ۱ اجاق قرار دارد. معبد راست: ایوان زاویه‌دار بوده و نیمکتی خشتی در آن تعبیه شده بود. قربانگاه یا محراب در برابر ورودی اتاق کاهن قرار دارد (پلان ۹).

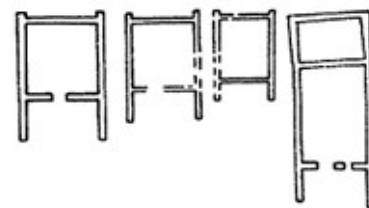
▲ پلان ۱۹. بادِم آغاجی (Duru & Umurtak, 2010: 9).

۶- مگارون‌های آیینی، لایه‌ی XIV: در این مرحله در میان معابد دوتایی، فضایی حائل پدیدار شده است و با توجه به یافت نشدن هیچ داده آیینی، کاربردی تدارکاتی برای آن متصور شده‌اند (پلان ۱۰)، از این فضای حائل هیچ راهی به دو معبد وجود ندارد. معبد چپ: اتاق کاهن حذف شده و عناصر داخلی معبد عبارتند از: محراب، محراب خون، استل‌های رُسی و نیمکت‌های رُسی. معبد راست: در این معبد اتاق کاهن به اجاق و نیمکت مجهز شده و فضای اصلی معبد نیز نسبت به معابد دوره‌های پیش‌تر، از اجزاء کمتری برخوردار است (Ibid: 93-111). معابد مراحل II، III، IV، V نیز با تفاوت‌های نُه‌چندان زیاد و با همین ترکیب معماری ساخته شده‌اند (پلان ۱۱).

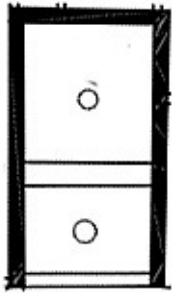


دمیرچی هویوک: با مختصات N: 39.8492، E: 30.2631 متعلق به هزاره‌ی سوم در شمال غرب آناتولی. معماری مگارون در این محوطه (Erarslan, 2008: 178) از دوره‌ی مفرغ قدیم I و II بوده و قدمتی در حدود ۳۰۰۰ ق.م. دارند (Yakar, 2011: 72)، (پلان ۱۲). ۲۰ سازه‌ی مگارون شکل با دیوارهای طولی مشترک که در بیشتر آن‌ها ساختارهای ذخیره‌سازی، تنور یا آتشدان، وجود داشته است؛ قطر ۹۰ متری این روستای تقریباً گرد را شکل داده‌اند (Erarslan, 2008: 178). از برآیند این چینش ساختمانی، فضایی میدان‌مانند (پلان ۱۳) در مرکز روستا به وجود آمده است (Yakar, 2011: 72). **کانلی گچیت:** با مختصات N: 27°28'17"، E: 41°40'52" متعلق به هزاره‌ی سوم. سال ۱۹۸۰ م. به دست محمت اوزدوغان^{۵۲} در استان مرمره شناسایی و سپس از سال ۱۹۹۴ م.، سلسله کاوش‌هایی به سرپرستی او و هرمان پارتزینگر^{۵۳} انجام پذیرفت.

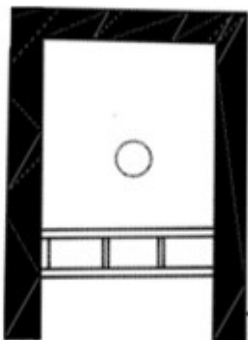
▲ پلان ۲۰. مگارون ۸۲، کاراتاش (Warner, 1979: 135).



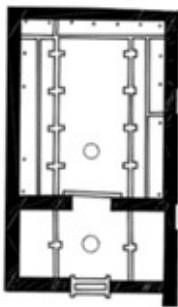
▲ پلان ۲۱. مگارون‌های کاراتاش (Ibid: 135).



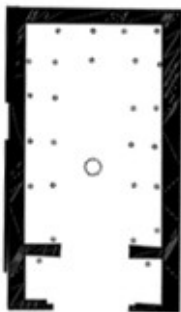
▲ پلان ۲۲. مگارون ۱، گوردیون (DeVries, 1980: 43).



▲ پلان ۲۳. مگارون ۲، گوردیون (Ibid: 43).



▲ پلان ۲۴. مگارون ۳، گوردیون (Ibid: 43).



▲ پلان ۲۵. مگارون ۴، گوردیون (Ibid: 43).

در لایه ی^{۱۱}، چند مگارون (Özdoğan, 2003: 113) شناسایی شد (پلان ۱۴) که ۴ عدد از آن‌ها (پلان ۱۵) هم‌زمان با تروا II بوده‌اند. بزرگترین مگارون در این سایت، احتمالاً دارای کاربری عمومی بوده است (Ari & et al., 2010: 231-237).

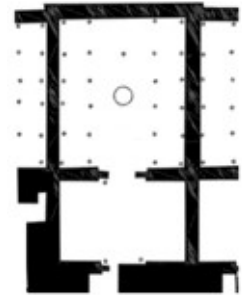
کوللوبا: بامختصات $N: 30^{\circ}44'37.1$ ، $E: 22.3'39^{\circ}33$ متعلق به هزاره ی سوم، در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی اسکیشهر قرار دارد. در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ م. به وسیله ی توران اف^{۱۲} بررسی شد. از مرحله ی مفرغ قدیم II (۲۶۰۳-۲۴۸۷ ق.م.)، مجتمعی شناسایی شد که دارای ساختمانی مگارون شکل و درهم تنیده‌ای بود، با نام «مجتمع دو»^{۱۳} (Efe & Fidan, 2008: 92). از مرحله ی مفرغ قدیم II، در این سایت، مجموعاً ۱۶ سازه ی مگارون شکل شناسایی شد. از ویژگی‌های آن‌ها، ساخت دیوارهای مستقل برای هراتاق و فضای انباری مانند است که در همکف ایجاد می‌شد و روی آن‌را با تخته‌های چوبی می‌پوشاندند، در مورد سه ساختمان در این سایت:

۱- مگارون بزرگ^{۱۴}: شامل سه اتاق، آتشدان و راه‌پله‌ای برای رسیدن به سالن اصلی. یکی از اتاق‌ها دارای دیواره‌های مجزا است. در ایوان، دو صندوقچه از خشت با در چوبی وجود داشته است (پلان ۱۶). کاربری آن، احتمالاً آیینی و یا اداری بوده است.
۲- مگارون میانی^{۱۵}: دارای ایوانی عمیق و آثار چند پایه‌ستون، به همراه ساختارهای ذخیره‌سازی. ایوان با ادامه ی دیوارهای جانبی محدود است (پلان ۱۷). ایوان‌های دو مگارون بزرگ و میانی به هم مرتبط است (Efe & Fidan, 2008: 92).

۳- مگارون شمالی^{۱۶}: در شمال مگارون بزرگ و در کنار مگارون میانی جای دارد (Efe, 2005: 15). دارای ایوان و یک اتاق است، سکوهایی برای ایجاد نیم‌طبقه انباری در همکف، متشکل از دو فضای چهارگوش در انتها ایجاد شده است (پلان ۱۸).
بادم آغاجی: بامختصات $N: 30^{\circ}29'53''$ ، $E: 37^{\circ}13'23''$ ، متعلق به هزاره ی سوم در منطقه ی آناتولیا، در سال ۱۹۵۸ م. جیمز ملارت محوطه را بررسی کرد. سال ۲۰۰۶، مگارون‌هایی از مرحله ی مفرغ قدیم II شناسایی شد که بیشترشان دارای یک اتاق بودند (پلان ۱۹)، برخی نیز چندین اتاقک داشتند. تا کاوش‌های ۲۰۰۹ م. حدود ۳۰ مگارون شناسایی شد (Duru & Umurtak, 2009: 17).

کاراتاش: بامختصات $N: 30.008436$ ، $E: 36.758423$ ، متعلق به هزاره ی سوم، واقع در استان آناتولیا، به ورت روشمند میان سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۴ م. به دست ماختیلد ملینک^{۱۷} مورد کاوش قرار گرفت و پس از آن مطالعات ادامه یافته است. از دوره ی مفرغ قدیم II در این محوطه چندین مگارون شناسایی شده است (Mellink, 1968: 244). کاراتاش از نگاه غنای معماری مگارون، یکی از بهترین سایت‌های دوران مفرغ قدیم است (Warner, 1979: 139)؛ در این محوطه از دوره ی مفرغ قدیم I، بیشتر از ۳۰ پلان معماری مگارون و Apsidal^{۱۸} شناسایی شده است (Ibid: 137). از کارگاه‌های ۳۵ و ۳۷ اطلاعات بسیار مفیدی پیرامون روند معماری در منطقه و هم‌چنین طبقه‌بندی مگارون‌ها به دست آمده است (Ibid: 243). از سازه‌های مهم این سایت، مگارون ۸۲ است؛ ابعاد آن ۱۳.۶ در ۴.۶ متر بوده و فضای داخلی تالار نیز ۹.۲ در ۵.۳۵ متر بوده است (پلان ۲۰). عرض ورودی این ساختمان ۲.۲۵ بوده و این احتمال وجود دارد که درب به صورت دو لنگه بوده باشد. عمق ایوان ۳.۴۰ متر و امتداد دیوارهای

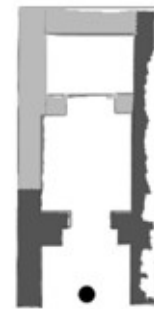
جانبی در پشت ساختمان ۰.۲۵ متر قرار دارند (Ibid: 245). از دوره‌ی مفرغ قدیم II، چندین مگارون از کارگاه‌های ۳۵ و ۳۷ (پلان ۲۱) و هم‌چنین از کارگاه ۷۵ و کارگاه‌های ۷۱ و ۷۲ دو مگارون کوچک به دست آمده است که با نام «مگارون کودک»^{۶۱} شناخته می‌شوند. این مگارون‌ها به ترتیب دارای اندازه‌های ۳.۸۵×۶.۲ و ۴×۶ هستند (Ibid: 248).



▲ پلان ۲۶. مگارون، تراس، گوردیون (Ibid: 43).

گوردیون: با مختصات N: 31°58'43.4", E: 03.3'39°39 در مرکز آناتولی واقع شده است. در سال ۱۸۹۳ م. هنگام ساخت راه آهن برلین-بغداد شناسایی شد. رادنی یانگ^{۶۲} و مری ویت^{۶۳} کاوش‌های روشمندی را به ترتیب در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۸۸ م. در آن به انجام رساندند. از دوران فریگی^{۶۴} (۹۰۰-۸۰۰ ق.م.) ۲۲ مگارون شناسایی شده است. عناصر مذهبی، حکومتی و یا ملزومات زندگی روزمره در ساختمان‌های این دوره، تأیید کننده‌ی نوعی تمرکز سیاسی و حتی مذهبی در گوردیون است. بیشترین اطلاعات از مگارون‌های ذیل به دست آمده است:

۱- مگارون شماره‌ی ۱: متعلق به سده ۸ و یا ۹ ق.م. و یکی از نخستین مگارون‌های محوطه بوده است. ابعاد آن در حدود ۹/۵×۱۷/۵ متر برآورد شده است. این مگارون دارای هشتی و تالار بوده و هر دو بخش دارای آتشدان مرکزی بوده‌اند (پلان ۲۲). دیوارها از خشت برپی سنگی و با تیرک‌های چوبی ساخته شده‌اند (Koob & et al., 1991: 290). همچنین ساختارهای ذخیره‌سازی جو و گندم، ابزار نساجی و ۲ وزنه‌ی دار قالی نیز شناسایی شده است (DeVries, 1980: 37-41).

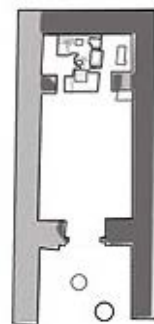


▲ پلان ۲۷. تل تاینات (Harrison & Osborn, 2012: 131).

۲- مگارون شماره‌ی ۲: با توجه به تزئینات موزاییک، با عنوان «ساختمان موزاییک» معرفی می‌شود. ابعاد آن در حدود ۱۳×۱۹ متر بوده است (پلان ۲۳). طول ایوان آن ۳ متر گزارش شده است (Roller, 2011: 4). این مگارون هشتی ندارد، اما دیوار میان تالار و ایوان، به اندازه‌ی قطور ساخته شده است که بتوان در آن، دو اتاقک کوچک ساخت. بستر این مگارون مصنوعی است و ارتفاع بیشتری از ساختمان‌های اطراف خود دارد (DeVries, 1980: 37-41)، یکی از بزرگترین سازه‌های منفرد پیش از فاز تراس‌ها بوده (Roller, 2011: 4).

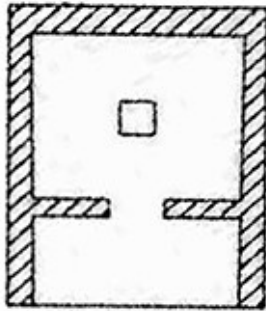
۳- مگارون شماره‌ی ۳: دارای آثار فرهنگی زیاد و از نگاه سیاسی و اجتماعی بارزترین در دوران خود بوده است. اندازه‌ی تالار حدوداً ۱۵×۱۹ متر است (پلان ۲۴). دوردیف ستون چهارتایی و احتمالاً چوبی، و هم‌چنین یک سکوی سرتاسری در ۳ ضلع تالار، از ساختارهای داخلی آن هستند (DeVries, 1980: 38).

۴- مگارون شماره‌ی ۴: با ایوانی کم‌عمق و یک مسیر دسترسی سنگ فرش (Ibid: 36-37)، طرحی مشابه با مگارون ۳ داشته و پیش از دوران افول گوردیون (حدود ۸۰۰ ق.م.) تکمیل شده است. آخرین ساختمانی بوده است که پس از رها شدن دژ توسط فریگی‌ها، زندگی در آن ادامه یافته است (پلان ۲۵). ابعاد آن در حدود ۱۲/۳×۲۲ متر و حدود ۲ متر زیرسازی داشته است. عرض ورودی تالار در حدود ۱/۴۵ تا ۱/۳۲ متر بوده است (Koob & et al., 1991: 291).

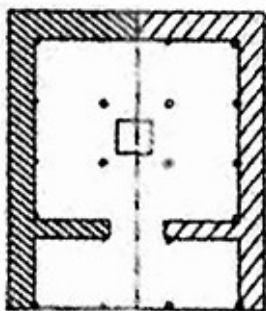


▲ پلان ۲۸. مگارون ۲، تل تاینات (Ibid: 132).

در فاز منطقه صنعتی گوردیون، مگارون‌های ۶، ۷ و ۸ تسطیح می‌شوند. ابعاد مگارون ۷ حدود ۱۲/۵×۱۶/۵ متر و مگارون ۸، ۱۷.۴×۱۸.۶ متر بوده است. در این ۲



▲ پلان ۲۹. کرکنس داغ (Summers & et al., 2004: 21).



▲ پلان ۳۰. مگارون ۲، کرکنس داغ (Ibid: 21).

مگارون، تهیه‌ی خوراک در مقیاس زیاد انجام می‌شده است. آثار تنورهای U شکل ویژه از جنس خشت در انتهای تالارهای این دو مگارون مشهود است. امکانات پخت‌وپز و فرم تنور و متعلقات آن در این مگارون‌ها با دیگر مگارون‌های مجموعه تفاوت داشته است. این تفاوت‌ها نوعی تجمیع تخصص در بخش‌های مختلف دژ را نشان می‌دهد (DeVries, 1990: 375-376).

۵- محوطه‌ی تراس‌ها: بخش صنعتی، چندین مگارون که به صورت ردیف در کنار هم و با اندازه‌های یکسان ساخته شده است (پلان ۲۶). محوطه دارای زیرسازی و ارتفاع است. خشت، تیرک‌های چوبی، ازاره‌های سنگی و سنگ‌فرش، از مصالح به‌کار رفته در این مگارون‌ها هستند (DeVries, 1980:38) در این سازه‌ها، اجاق، تنورهای نعل‌اسبی، کوره، گودال‌های ذخیره‌سازی غلات و سنگ آسیاب عمومیت دارند (Ibid: 37-38). جهت بیشتر سازه‌ها روبه جنوب‌غربی (جهت غروب آفتاب) بوده است.

تل تایننت: با مختصات "N: 36°14'51" ، "E: 36°22'35" متعلق به هزاره‌ی اول ق.م. در جنوب ترکیه قرار دارد. در سال ۱۹۳۵ شناسایی شد و از سال ۱۹۹۹ م. کاوش‌های سالیانه از سوی دانشگاه تورنتو انجام پذیرفته است (Harrison & Osborne, 2012: 125). در این محوطه دو ساختمان با فرم مگارون گزارش شده است:

۱- ساختمان شماره‌ی ۱۶: با ابعاد ۲۱×۹ متر، متعلق به سده‌ی ۹ ق.م. (Harri-son, 2011: 32). بیرون ساختمان از سنگ‌فرش آهکی و پله‌ی سنگی در ورودی ایوان استفاده شده است (پلان ۲۷). پایه‌ستونی از سنگ بازالت با طرح گل‌روزت و تزئینات طنابی در ایوان قرار دارد. این فرم پایه‌ستون در فاز دوم ساختمانی، در ساختمان شماره‌ی ۱ (بیت‌هیلانی) تکرار شده است (Ibid: 130). انتهای ساختمان فضایی با محوریته‌ی آیینی ایجاد شده است. کف سالن با آجر مفروش بوده و این کف‌پوش‌های آجری تا مسافتی در خارج از مگارون نیز ادامه یافته‌اند (Ibid: 32).

۲- ساختمان شماره‌ی ۲: به ابعاد ۲۵/۳۵×۱۱/۷۵ متر (پلان ۲۸) و ورودی با عرض ۲/۸ متر و دارای سنگ‌فرش؛ دیواره‌های خشتی حدوداً ۲/۰۵ متر قطر داشته‌اند. خشت‌ها دارای ابعاد ۱۱×۳۰×۳۰ و ۱۱×۴۲×۳۰ سانتی‌متر بودند. ۲ پایه‌ستونی به شکل شیر در ایوان و اندوده‌های آبی و سرخ رنگ در بخش انتهایی وجود داشته است. این محوطه دچار آتش‌سوزی شده و لایه‌های خاکستر آن هم‌چنان دیده می‌شوند (braided-wood & et al, 1971: 53).

کرکنس داغ: با مختصات "N: 39°45'00" ، "E: 35°03'56" متعلق به هزاره‌ی اول ق.م. در ۲۰۰ کیلومتری شرق آنکارا و روی تپه‌ای گرانیتی جای دارد. این مکان را کوه مقدس هیتیت‌ها با نام «داها»^{۶۵} دانسته‌اند (Gurney, 1995: 70). در سال ۱۹۲۸ م. اریک اشمیت^{۶۶} طی ۱۴ گمانه‌ی آزمایشی به بررسی منطقه پرداخت (Summers & et al, 2010: 669). از سال ۲۰۰۳ م. روش الکترومگنتیک^{۶۷} در این سایت به‌کار گرفته شد، در ادامه اطلاعات مربوط به دو مگارون که با این روش جانمایی شدند، بیان می‌گردد:

۱- مگارون شماره‌ی ۱: از کارگاه TR06، با ابعاد ۱۱.۵×۸.۹ متر شناسایی شد. ورودی آن روبه جنوب‌شرقی بوده و ابعاد ایوان آن ۲.۷×۸.۷ متر تخمین زده شده است.

متشکل از یک ایوان، تالار اصلی و یک آتشدان در مرکز است (پلان ۲۹). درون آن آثار زندگی روزمره دیده نشد. دارای پی سنگی بوده و دیوارهای آن با خشت ساخته شده است. سقف به احتمال زیاد به صورت شیب‌دار بوده است و برای پوشش آن نیز از مواد گیاهی استفاده می‌کردند، تاکنون هیچ نوع ساختار پوششی، هم‌چون سفال برای استفاده در بام یافت نشده است.

۲- مگارون شماره ۲: با ابعاد ۸.۹ × ۱۱.۵ متر، مشابه به مگارون ۱ بوده (پلان ۳۰) و هر دو مربوط به یک زمان هستند. شاهدهی مبنی بر تأثیر باورهای آیینی در وضعیت چینش ساختمان‌ها دیده نشده است (Summers & et al., 2004: 28). جهت ورودی‌ها و محور ساختمان‌ها، احتمالاً از عوارض سطحی زمین، بادهای محلی، جهت طلوع خورشید و دیگر عوامل متأثر بوده‌اند.

کمان کاله هویوک: بامختصات "N: 39°21'46" ، "E: 33°47'12" متعلق به هزاره‌ی اول ق. م. در مرکز آناتولی قرار دارد. محوطه‌ای ست دایره‌ای به قطر ۲۸۰ متر. در نتیجه‌ی کاوش‌های یک گروه باستان‌شناس ژاپنی، از سال ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۸ م. مگارون‌هایی متشکل از دو اتاق، شناسایی شدند (Omura, 2011: 1095) که از لایه‌ی ۳-۵ IIa و مربوط به اواخر هزاره‌ی اول بودند. از ستون‌های چوبی در پیکره‌ی آن‌ها استفاده شده بود که بر روی تخته‌سنگ‌هایی مسطح قرار می‌گرفتند. بخش‌هایی از سازه نیز دارای سنگ‌فرش بوده است. ابعاد یکی از مگارون‌ها ۱۹ × ۵.۶ متر گزارش شده است (Ibid: 1099).

نتیجه‌گیری

شناخت معماری مگارون به‌واسطه‌ی کاربرد آن در یک بازه‌ی زمانی طولانی (نوسنگی تا هزاره‌ی اول ق. م.) و گستردگی جغرافیایی (لوانت، آناتولی، شرق و مرکز اروپا)، برای درک بهتر ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در زمینه‌های گوناگون دارای اهمیت است. در آناتولی مگارون‌های محوطه‌ی تروا در تپه‌ی حصارلیک، به‌عنوان کهن‌ترین نمونه از این معماری مطرح هستند که تاریخ آن به آغاز هزاره‌ی سوم ق. م. بازمی‌گردد. بیشترین میزان رواج این فرم معماری در هزاره‌ی سوم ق. م. بوده است؛ از ۱۱ محوطه مربوط به این دوره در حدود ۱۳۲ مگارون شناسایی شد. با آغاز هزاره‌ی دوم استفاده از این فرم به‌شدت کاهش می‌یابد و تنها در دو محل و در مجموع ۷ مگارون شناسایی شد که در واقع، در ادامه فرهنگ‌های هزاره‌ی سوم بودند. با آغاز هزاره‌ی اول ق. م. در ۴ محوطه‌ی کاملاً جدید، در مجموع بیش از ۳۲ مورد از این معماری شناسایی شد (کمان کاله هویوک، کرکنس داغ، تل تایننت و گوردیون). رواج معماری مگارون با توجه به قدیمی‌ترین نمونه‌ی به‌دست آمده از تپه‌ی حصارلیک، مشخصاً از غرب آناتولی آغاز شده است. آن‌چنان‌که در نقشه‌ی ۱ دیده می‌شود، تراکم آثار به‌دست آمده نیز صرفاً در غرب و مرکز دیده می‌شود. نکته‌ی جالب توجه در این است که سایت‌های دارای معماری مگارون از هزاره‌ی نخست ق. م. در غرب آناتولی حضور ندارند و هم‌چنین در هزاره‌ی سوم، مگارون‌های مرسوم در غرب آناتولی در مرکز حضور ندارد و از هزاره‌ی سوم تنها مجتمع مگارون در کول تپه شناسایی شده است.

نام‌گذاری این معماری، در سده‌ی ۱۹ م. و با توجه به اشارات ادبی هومر، شاعر یونان باستان، در پیوند با تالارهای عمومی رایج در تمدن‌های حوزه‌ی اژه، برای آثار معماری مشخصی از دوره‌ی مفرغ در رابطه با همان حوزه‌ی جغرافیایی (و فرهنگی)، یعنی یونان و غرب آناتولی انجام شده است. مگارون‌ها به‌طور کلی، به‌عنوان ساختمان‌هایی عموماً پیکره‌آزاد و مستطیلی‌شکل شناسایی می‌شوند، اما با توجه به شناسایی ساختارهایی به‌نام «مجموعه ساختمانی مگارون» که در «کول‌تپه» و سرزمین‌های یونانی (تیرینس، پیلوس) شناسایی شده‌اند و هم‌چنین ساختمان‌های مگارون‌شکلی که مجتمع نیستند، ولی حداقل از یک ضلع به ساختار معماری دیگری متصل هستند، مانند مگارون‌های روستای «دمیرچی هویوک» و «کانلی گجیت» و معابد دوقلوی «بیجه‌سلطان»، ویژگی پیکره‌آزاد بودن مگارون‌ها به‌عنوان یک ویژگی، دیگر مصداق نخواهد داشت. با توجه به موارد یاد شده، در این پژوهش مگارون را گونه‌ای از معماری راست‌گوشه می‌دانیم که از فرمی مستطیلی‌شکل برخوردار است و دارای دو کلیت ساختاری مشتمل بر (یک) بخش ورودی و بخشی درونی است. بخش ورودی (خروجی) را ایوان و هشتی تشکیل می‌دهند که در یک یا دو مرحله‌ی میان محیط بیرونی و بخش درونی، فضای حائل ایجاد می‌کنند. بخش درونی، فضای اصلی ساختمان است (اتاق، سالن و تالار) که می‌تواند به فضاهای الحاقی دیگر راه داشته باشد، اما فرم اصلی آن مستطیل‌شکل است و مهم‌ترین ویژگی آن این است که هویت سازه را روشن می‌سازد (مسکونی، سیاسی، آیینی و کارگاهی). این بخش معمولاً فراخ‌ترین فضای ساختمان را داراست و در مواردی که نقش سیاسی یا اجتماعی داشته باشد، آتشدانی در میان آن قرار دارد (مگارون‌های بزرگ تروا ۲، مگارون‌های کول‌تپه، مگارون شماره‌ی ۲ گوردیون و مگارون‌های کرکنس داغ)، عناصر دیگر ساختمانی، مانند: ستون‌ها، سکوها، تنورها و یا تزئینات، که می‌توانند در ساختار مگارون‌ها حضور داشته باشند، به‌عنوان ساختارهای وابسته به دو کلیت یاد شده به حساب می‌آیند. با بررسی ویژگی‌های شماری از مگارون‌های آناتولی در این پژوهش، ۴ کاربری را برای این معماری متصور هستیم؛ الف: ساختمان‌های مسکونی، دارای ویژگی‌هایی هستند که فعالیت‌های روزانه‌ی خانوار را نشان می‌دهند، مانند آثار معیشتی و ساختارهای وابسته به آن، همچون باقی‌مانده‌ی مواد خوراکی، ساختارهای وابسته به معیشت، مانند اجاق، ساختارهای ذخیره‌سازی، ابزار بافندگی، آسیاب‌های سنگی. مگارون شماره‌ی ۸۲ و مگارون‌های موسوم به «مگارون کودک» در کاراتاش و مگارون لایه‌ی ۹ در بیجه‌سلطان از این نمونه هستند. ب: ساختمان‌های آیینی، ویژگی‌هایی در پیوند با پرستش و قربانی کردن دارند، مانند ساختارهای الحاقی همچون محراب، استل‌های چوبی یا رُسی و قربانگاه، فضای اختصاصی کاهن، نمادهایی با مفاهیم ماوراءالطبیعه، مانند جمجمه چهارپایان، شاخ گاو یا بز. مگارون‌های دوقلوی بیجه‌سلطان از این دسته هستند. پ: ساختمان‌های سیاسی و عمومی، در پیوند با امور حکمرانی و ارتباطات اجتماعی کاربرد دارند و چینه‌ی داخلی این ساختمان‌ها با توجه به این موارد صورت‌گرفته است؛ برای نمونه، سکوهایی که برای نشستن استفاده می‌شدند و یا آتشدان‌های بزرگی که در میانه‌ی سالن اصلی ساخته می‌شدند، استفاده از تزئینات و امکانات شأن‌زا، مانند موزاییک‌کاری و یا استفاده از آثار

هنری. مگارون‌های ۲ و ۳ در گوردیون، و مگارون a2 در تروا از این نمونه هستند. ت: ساختمان‌های کارگاهی، در این سازه‌ها معمولاً آثار فعالیت‌های تخصصی در فضایی عمدتاً ساده دیده می‌شود، فضاهای ذخیره‌سازی و حرارتی نیز در این ساختمان‌ها وجود دارند؛ مگارون‌های شماره‌ی ۷ و ۸ و هم‌چنین مگارون‌های محوطه‌ی تراس در گوردیون از این دسته هستند. مورد دیگری که در رابطه با کاربری مگارون‌ها در آناتولی می‌توان به آن اشاره کرد، ارتباط میان اندازه‌ی مگارون و کاربرد آن است. مگارون‌های با ماهیت مسکونی، به‌طور میانگین ابعادی کمتر از انواع دیگر داشته‌اند. مگارون مسکونی لایه‌ی ۲۴ در بیجه سلطان مساحتی در حدود ۸٫۴ متر مربع داشته است، اما مگارون غربی در لایه‌ی ۹ در همین سایت، با ماهیت آیینی دارای مساحتی در حدود ۸۲ متر مربع بوده است. از مگارون‌های مسکونی دیگر، می‌توان به مگارون شماره‌ی ۸۲ در کاراتاش با ۶۲٫۵ متر مربع مساحت و مگارون‌های معروف به کودک در همین سایت با مساحت‌های ۲۴ و ۲۳ متر مربع اشاره کرد. با بررسی انواع دیگر مگارون‌ها در می‌یابیم که ابعاد مگارون‌ها متناسب با ماهیت کاربردی آن‌ها بوده و از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً پیش از ساخته شدن، کاربردشان تعیین می‌شده است. مگارون‌هایی که دارای ماهیت آیینی بوده‌اند را می‌توان از بُعد ابعاد، در قیاس با انواع دیگر، در دسته‌بندی متوسط جای داد؛ مانند مگارون مشهور به «معبد شرقی» در بیجه سلطان از لایه‌ی ۹، با مساحت ۹۴٫۲ متر مربع، و ساختمان معبد در کول تپه (که می‌توان برای آن موقعیتی مذهبی-سیاسی نیز قائل بود) با مساحت ۱۳۷٫۵ متر مربع. مگارون‌های تل تایننت نیز که احتمال کاربرد دوگانه‌ی سیاسی-مذهبی را می‌توان برای آن‌ها متصور بود، معروف به ساختمانی شماره‌ی ۲ و ۱۶ به ترتیب ۲۹۹٫۶ و ۱۸۹ متر مربع مساحت داشتند. مگارون‌هایی که دارای کاربری سیاسی و یا وابسته به حاکمیت هستند، در کنار مگارون‌های کارگاهی جزو ساختمان‌های بزرگ به حساب می‌آیند؛ در این پیوند می‌توان به مگارون‌های شماره‌ی ۸ و ۷ سایت کرکنس داغ با کاربری کارگاهی و تخصصی، و مگارون‌های ۳ و ۲ با کاربری سیاسی اشاره کرد که به ترتیب: ۲۴۷، ۲۸۵، ۲۰۶، ۳۲۳ متر مربع وسعت داشته‌اند و هم‌چنین مگارون‌های دوگانه‌ی کرکنس داغ با مساحت ۱۰۲٫۳۵ متر مربع.

در پایان باید خاطر نشان شود که نتیجه‌گیری اخیر پیرامون ارتباط ابعاد مگارون با کاربری آن، بر اساس مگارون‌های مندرج در این پژوهش بوده است.

پی‌نوشت

1. Vestibule
2. Heinrich Schliemann
3. Hissarlik
4. Troy
5. Wilhelm Dörpfeld
6. House 102 (Level Ib)
7. Gordion
8. Kültepe
9. Earl B. Smith

۱۰. (هم‌چنین ر. ک. به: Blegen et al., 1950: 92)

۱۱. (ر. ک. به: The Megaron and Its Roof-Earl Baldwin Smith, 1942)

12. Mycenae
13. Manfred Korfmann

14. Jayne Warner
 15. Tell Tayinat
 16. Beycesultan
 17. Demirci-Huyuk
 18. Kanlıgeçit
 19. Küllüoba
 20. Bademağacı
 21. Karataş
 22. Kerkenes Dag
 23. Kaman Kalehöyük
 24. Hassek-Höyük
 25. Samos
 26. Besik Yassi Tepe
 27. Homer (شاعر یونان باستان)
 28. Herodotus
 29. Delphi
 30. Samuel Bochart
 31. Māārā (در عربی مقاره)
 32. Ugarit: از فرهنگ‌های سامی، در پیوند با سرزمین‌های شمال غربی میان‌رودان و سوریه
۳۳. اشاره به اتاق تخت در کاخ تیرینس
۳۴. ویژگی‌های یکسانی با مگارون‌ها دارند (اما دیوار انتهایی این ساختمان‌ها به صورت نیم‌دایره است)، (Warner, 1979:146-7).
35. great hall
 36. Megaron complex
 37. Twin Shrine
 38. blood altar
 39. industrial area
۴۰. تا زمان نگارش این مقاله
۴۱. در سایت‌هایی که احتمال شناسایی تعداد بیشتری مگارون وجود داشته است
۴۲. هم‌چنین (Fields, 2004: 20), (13×35) m by Fields.
43. Colony: مهاجرنشین
 44. Bedřich Hrozný
 45. Tahsin Özgüç
 46. Anatolian Bronze Age: (3100-1200 BC.) (Sagona, Zimansky, 2015: 172, 225, 253)
 47. James Mellaart
 48. Seton Lloyd
 49. Bit-Hilani
 50. Stelae
 51. Blood altar
 52. Mehmet Özdoğan
 53. Hermann Parzinger
 54. Turan efe
 55. complex II
 56. Great megaron
 57. Middle megaron
 58. North megaron
 59. Machteld J. Mellink
۶۰. مشابه با مگارون با دیواره انتهایی غیر راست‌گوشه و نیم‌دایره.
61. Children Megaron
 62. Rodney. S. Young
 63. Mary Voigt
 64. Phrygians
 65. Daha
 66. Erich Friedrich
 67. Electromagnetic

کتابنامه

- Arı, İ., Eres, Z., & Demirtaş, A., 2010, "Kanlıgeçit açık hava müzesi: Trakya'da bir ilk Tunç Çağ iç kalesi (Kanlıgeçit open-air museum: an early Bronze Age citadel in Thrace)", *TÜBA-KED (Turkish Academy of Sciences Journal of Cultural Inventory)*, 8(8), (pp.229-240).

- Banning, E. B., & Byrd, B. F., 1987 (January), "Houses and the changing residential unit: domestic architecture at PPNB 'Ain Ghazal, Jordan", In: *Proceedings of the Prehistoric Society* (Vol. 53, pp. 309-325). Cambridge University Press.
- Bernal, M., 1987, *Black Athena: Afroasiatic Roots of Classical Civilization*, Volume I: The Fabrication of Ancient Greece, 1785-1985: Rutgers University Press.
- Blegen, C. W., Angel, J. L., Caskey, J. L., Rawson, M., & Boulter, C. G. 1950, *Troy: Excavations conducted by the University of Cincinnati, 1932-1938*, Princeton: Published for the University of Cincinnati by Princeton University Press.
- Blegen, C. W., 1937, "Excavations at Troy, 1936", *American Journal of Archaeology*, 41(1), (pp.17-51).
- Braidwood, R. J., Haines, R. C., & Braidwood, L. S., 1971, *Excavations in the Plain of Antioch: The structural remains of the later phases, Chatal Hüyük, Tell Al-Judaidah, and Tell Ta'yinat*, by R.C. Haines: University of Chicago Press.
- Caskey, J. L., 1960, "The Early Helladic Period in the Argolid". *Hesperia: The Journal of the American School of Classical Studies at Athens*, 29(3), (pp.285-303).
- de Laet, S. J., & Dani, A. H., 1994, *History of Humanity: From the third millennium to the seventh century B.C.*: Routledge.
- Demand, N. H., 2011, *The Mediterranean context of early Greek history*: John Wiley & Sons.
- DeVries, K., 1980, "Greeks and Phrygians in the Early Iron Age", In: *From Athens to Gordion: the papers of a memorial symposium for Rodney S. Young* (pp. 33-50).
- DeVries, K., 1990, "The Gordion excavation seasons of 1969-1973 and subsequent research", *American Journal of Archaeology*, 371-406.
- Duru, R., & Umurtak, M., 2009, "Bademağacı 2008 Yılı Kazıları (Excavations at Bademağacı in 2008)", *ANMED*, (News of Archaeology from ANATOLIA'S MEDITERRANEAN) (2009-7), (pp.15-22).
- Duru, R., & Umurtak, M., 2010, "Bademağacı 2010 Yılı Kazıları (Excavations at Bademağacı in 2010)", *ANMED*, (News of Archaeology from ANATOLIA'S MEDITERRANEAN) (2011-9), (pp.7-15).
- Efe, T., 2005, "Report on the 2005 Season of the Küllüoba Excavations", Retrieved from: <http://kulluobakazisi.bilecik.edu.tr/Dosya/Arsiv/kulluoba%20REPORT,2005.pdf>
- Efe, T., & Fidan, E., 2008, "Complex Two in the Early Bronze II Upper Town of Küllüoba near Eskişehir", *Anatolica*, 34, (pp.67-102).
- Efe, T., 2009, "Report on the 2009 Season of the Küllüoba Excavations", Retrieved from: <http://kulluobakazisi.bilecik.edu.tr/Dosya/Arsiv/K%C3%BCII%C3%BCoba%20INSTAP,%202009.pdf>
- Erarslan, A., 2008, "The Anatolian Urban Model: Its Origin and Evolution (5200-2200 BC)", In: *Colloquium Anatolicum* (Vol. 7, pp. 177-195).
- Easton, D. F., 2002, *Schliemann's excavations at Troia, 1870-1873*, Volume 2 of *Studia Troica Monographien*. the University of Michigan, von Zabern.
- Fields, N., 2004, *Troy C. 1700-1250 B.C.*, Volume 17 of *Fortress* (Oxford),

Osprey Publishing.

- Gurney, O. R., 1995, "The Hittite Names of Kerkenes Dağ and Kuşaklı Höyük", *Anatolian studies*, 45, (pp.69-71).
- Haldar, A., 1971, *Who Were the Amorites? Monographs on the Ancient Near East* 1. Leiden: Brill.
- Harrison, T. P., 2011, Temples, "Tablets and the Neo-Assyrian Provincial Capital of Kinalia", *Journal of the Canadian Society for Mesopotamian Studies*, 6, (pp.29-37).
- Harrison, T. P., & Osborne, J. F., 2012, "Building XVI and the Neo-Assyrian sacred precinct at Tell Tayinat", *Journal of Cuneiform Studies*, 64, (pp.125-143).
- Herodotus. & Godley, A. D., 1921, *Herodotus*, London (England) : New York (New York) : W. Heinemann ; G.P. Putnam's Sons
- Ivanova, M., 2013, "Domestic architecture in the Early Bronze Age of western Anatolia: the row-houses of Troy I", *Anatolian studies*, 63, (pp17-33).
- Knox, M. O., 1973, "Megarons and ΜΕΓΑΡΑ: Homer and Archaeology", *The Classical Quarterly*, 23(1), (pp.1-21).
- Korfmann, M., 1983, *Demircihüyük: die Ergebnisse der Ausgrabungen 1975-1978*, 1 [Textband]. Architektur, Stratigraphie und Befunde. von Zabern.
- Koob, S. P., Rogers, M. H., & Sams, G. K., 1990, "Preserving the eighth century BC Mud brick architecture at Gordion, Turkey: approaches to conservation". In: *6th International Conference on the Conservation of Earthen Architecture*: Adobe 90 preprints: Las Cruces, New Mexico, USA, October 14-19, 1990 (pp. 289-294). Getty Conservation Institute.
- Leick, G., 2002, *A dictionary of ancient Near Eastern architecture*: Routledge.
- Lloyd, S., & Mellaart, J., 1958, "Beycesultan Excavations: Fourth Preliminary Report, 1957", *Anatolian studies*, 8, (pp.93-125).
- Mac Sweeney, N., 2011, *Community identity and archaeology: dynamic communities at Aphrodisias and Beycesultan*: University of Michigan Press.
- Matero, Frank G., 2011, "Resurrecting Place. Conservation as Interpretation and Display of a Phrygian Capital", In: *Gordion Awakened*, eds. M. Keller and F.G. Matero, pp.26-47. Architectural Conservation Laboratory University of Pennsylvania, Philadelphia.
- Mellink, M. J., & Angel, J. L., 1968, "Excavations at Karataş-Semayük in Lycia, 1967", *American Journal of Archaeology*, (pp. 243-263)
- Ogilvie, M., & Harvey, J., 2003, *The biographical dictionary of women in science: pioneering lives from ancient times to the mid-20th century*: Routledge.
- Omura, S., 2011, "Kaman-Kalehöyük excavations in central Anatolia", In: G. McMahon & S. Steadman (Eds.), *The Oxford Handbook of Ancient Anatolia: (10,000-323 BCE)*. USA: OUP. (, pp. 1095e1111)
- Özgüç, T., 1963, "Early Anatolian archaeology in the light of recent research", *Anatolia*, issue 7, (pp. 1-21).
- Özdoğan, M., 2003, "The Black Sea, the Sea of Marmara and Bronze Age archaeology: an archaeological predicament", In: *Troia and the Troad* (pp. 105-120). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Roller, L. E., 2011, *Incised Drawings from Early Phrygian Gordion: Gordion Special Studies IV* (Vol. 130) : University of Pennsylvania Press.

- Rose, C. B., 2012, "Introduction", In: *The Archaeology of Phrygian Gordion, Royal City of Midas: Gordion Special Studies 7* (Vol. 7): University of Pennsylvania Press.
- Sagona, A., Zimansky, P., 2015, *Ancient Turkey, Routledge Chapman & Hall*, New York.
- Sari, D., 2013, "The Cultural Development of Western Anatolia in the Third and Second Millennia B.C. and its Relationship with Migration Theories, Luwian Identities: Culture, Language, and Religion between Anatolia and the Aegean", *Culture and History of the Ancient Near East*, 64, (pp305-327).
- Smith, E. B., 1942, "The megaron and its roof", *American Journal of Archaeology*, 46(1), (pp 99-118).
- Summers, G. D., & Summers, F., 2010, "From picks to pixels: Eighty years of development in the tools of archaeological exploration and interpretation, 1927–2007, at Kerkenes Dag in central Turkey", In: *Proceedings of the 6th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East*, Harrassowitz, Wiesbaden (pp. 669-683).
- Summers, G. D., Summers, F., & Branting, S., 2004, "Megarons and associated structures at Kerkenes Dağ: An interim report", *Anatolia Antiqua*, 12(1), (pp.7-41).
- Todorova, H., 2003, Prehistory of Bulgaria, In Recent research in the prehistory of the Balkans, Grammenos, Demetrios V. eds., (257-317) Thessaloniki; Publications of the Archaeological Institute of Northern Greece; Archaeological Receipts Fund.
- Warner, J., 1979, "The Megaron and Apsidal House in Early Bronze Age Western Anatolia: New Evidence from Karatas", *American Journal of Archaeology* New York, NY, 83(2), 133-147.
- Werner, K., 1993, "The megaron during the Aegean and Anatolian bronze age" *A Study of Occurrence, Shape, Architectural Adaption, and Function*, *SIMA*, 108.
- Yakar, J., 1974, "The Twin Shrines of Beycesultan", *Anatolian Studies*, 24, (pp151-161).
- Yakar, J., 2011, "Anatolian Chronology and Terminology", In: S.R. Steadman, G. McMahon (eds), *The Oxford Handbook of Ancient Anatolia 10,000-323 B.C.E.* Oxford: (pp.56-93)
- Young, T. C., 1966, "Thoughts on the Architecture of Hasanlu IV", *Iranica Antiqua*, 6, 48.
- Schachner, A., 2006, "Auf welchen Fundamenten? Überlegungen zum Stand der Erforschung der hethitischen Architektur", In: *Strukturierung und Datierung in der hethitischen Archäologie/Structuring and Dating in Hittite Archaeology*, ed. Dirk Paul Mielke, Ulf-Dietrich Schoop, and Jürgen Seeher, (pp.149–165). *BYZAS 4*. İstanbul: Ege Yayınları.
- Sari, D., 2012, "İlk Tunç Çağı ve Orta Tunç Çağı'nda Batı Anadolu'nun Kültürel ve Siyasal Gelişimi", *Mimarlar, Arkeologlar, Sanat Tarihçileri, Restoratörler Ortak Platformu Edergi*, 7, (pp.112-249).